

درس یازدهم

شهدا خورشیدند



فارسی ششم دبستان

علوی

درس یازدهم شهدا خورشیدند



درس یازدهم



شهدا خورشیدند



شهدا خورشیدند

در این درس، مفاهیم زیر را می‌آموزم:

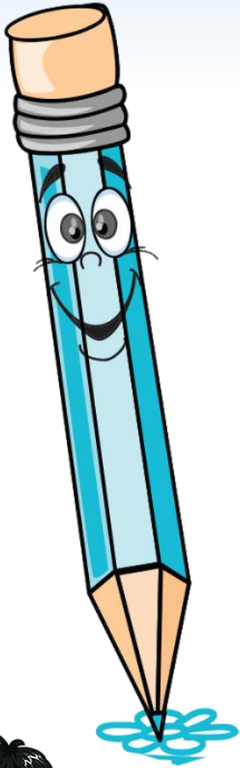
۱ آشنایی با جایگاه شهدا، نقش شهدا در انقلاب اسلامی

۲ آشنایی با نمونه‌ای از شعر نو

۳ آشنایی دقیق‌تر با آرایه‌ی ادبی تشبیه

۴ قواعد همزه (ء) در زبان فارسی

۵ آشنایی با «سلمان هراتی»، «ابوعلی سینا» و «بهمنیار»



شهدا خورشیدند

ساعت انشا بود
و چنین گفت معلم با ما:

«بچه‌ها گوش کنید

نظر ما این است

شهدا خورشیدند»

مرتضی گفت: «شهید

چون شقایق، سرخ است.»

دانش آموزی گفت:

«چون چراغی است که در خانه‌ی مامی سوزد.»

وکسی دیگر گفت: «شهید

داستانی است پر از حادثه و زیبایی.»

مصطفی گفت: «شهید

مثل یک نمره‌ی بیست

داخل دفتر قلب من و تومی ماند.»

سلمان هراتی

فارسی ششم دبستان

علوی

درس یازدهم شهدا خورشیدند





بوعلی و بهمنیار

بهمنیار از شاگردان نزدیک بوعلی سینا بود و به استادش بسیار احترام می‌گذاشت. استعداد خدادادی کم‌نظیر و فکر خلاق بوعلی، بهمنیار را دچار شگفتی کرده بود تا جایی که به خود جرأت داد به استادش پیشنهادی عجیب بدهد. روزی به بوعلی گفت: شما ای استاد! سرآمد همه‌ی مردم هستید؛ چرا خود را پیغمبر فرستاده‌ی خدا، معرفی نمی‌کنید؟

بهمنیار، این حرف را بارها به بوعلی گفته بود اما جوابی از او نمی‌شنید تا اینکه در یکی از شب‌های سرد زمستان، که همه جا پوشیده از برف و هوا یخبندان بود، بوعلی در اتاقی گرم، زیر کرسی خوابیده بود، بهمنیار هم در طرف دیگر در خواب عمیقی بود. نزدیک سحر بود. بوعلی از خواب بیدار شد، احساس تشنگی کرد ولی آب در دسترس نبود. بوعلی با صدایی آمیخته به محبت، گفت: بهمنیار! بهمنیار!

بهمنیار، چشم گشود و سلامی کرد. بوعلی پس از جواب سلام، گفت: برخیز و ظرف آب را از بیرون بیاور که سخت، تشنه‌ام. بهمنیار با چشمان نیمه باز خود نگاهی کرد و برخاست، شدت سرمای بیرون را به یاد آورد. کمی با خود فکر کرد، ایستاد و گفت: استاد! هوای بیرون خیلی سرد است، آب هم حتماً یخ بسته است، سینه‌ی شما هم، اکنون گرم است، اگر آب سرد بنوشید برای شما خوب نیست.

بوعلی گفت: استاد تو در طب، منم و من می‌گویم، آب بیاور.

بار دیگر، بهمنیار سخن خود را با کلمات دیگر تکرار کرد اما دید استاد در آوردن آب اصرار می‌کند. بالاخره، طاقت نیاورد و گفت: در این هوای برفی و سرمای شدید، نمی‌توانم برای آوردن آب، بیرون بروم. شما چیز دیگری از من بخواهید.



در این گفت‌وگو بودند که ناگهان صدای دلنشینی از بیرون به گوش رسید. مسلمانی در این هوای سرد، مشغول راز و نیاز با خدای مهربان خود بود. پس از چند جمله مناجات، صدای اذان بلند



شد: الله اکبر... فردای آن روز، بهمنیار آماده‌ی گرفتن درس از استاد شد، بوعلی رو به بهمنیار کرد و گفت: «بارها به من می‌گفتی که چرا خودم را پیامبر خدا معرفی نمی‌کنم، حالا علت آن را فهمیدی؟» بهمنیار گفت: «خیر استاد».

بوعلی گفت: «بهمنیار! با اینکه من استاد تو هستم و سال‌ها با تو بوده‌ام با این حال، حرف‌هایم در تو اثر نداشت و نتوانستم در این همه سال، محبتی در دلت بیفکنم و کاری کنم که در سرمای شب گذشته با علاقه‌ی خودت بر خیزی و ظرف آب را برای من بیاوری ولی در همان ساعت در آن هوای سرد و یخندان، مرد مسلمانی تنها برای انجام دادن یک عمل غیر واجب، بدون هیچ‌گونه احساس ناراحتی، سرمای شدید را تحمل می‌کند و می‌آید و اذان می‌گوید تا فرمان پیامبر (ص) را اجرا کند. از دوران زندگی آن حضرت تا زمان این مرد، نزدیک به چهار صد سال می‌گذرد اما نفوذ گفتار آن پیامبر الهی در دل مؤمنانش، آن‌چنان شدید است که پیروانش این‌گونه در هر وضعیتی، در گرما و سرما، در سختی و آسایش، دستور او را از روی علاقه اجرا می‌کنند. آری، ای بهمنیار، اکنون دیگر، فکر می‌کنم که...».



تشبیه



همان‌طور که قبلاً آموخته‌ایم، تشبیه یعنی مانند کردن یک چیز به چیز دیگر. این آرایه‌ی ادبی، نوشته را زیباتر می‌کند و موجب خیال‌انگیز شدن آن می‌گردد.

هر تشبیه، چهار پایه یا رکن اصلی دارد:

۱- مُشَبَّه: چیزی که به چیز دیگری شبیه می‌شود.

مثال: قلب او مثل دریا، وسیع است.

مُشَبَّه



فارسی ششم دبستان

علوی

درس یازدهم شهدا خورشیدند



۲- مُشَبَّه: آنچه که چیزی (مشبه) به آن شبیه شده است.

مثال: صورت او مثل گل زیباست.

مشبه مشبه‌به

۳- وجه شبه: به ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه‌به گفته می‌شود.

مثال: چشم‌های او چون برگ درختان سبز است.

مشبه مشبه‌به وجه شبه

در مثال بالا، ویژگی مشترک بین چشم‌ها و برگ درختان، «سبز بودن» است.

۴- ادات تشبیه: به حرفی گفته می‌شود که نشانه‌ی تشبیه است.

حروف تشبیه، عبارتند از: مثل، مانند، همچون، همچو، چو، چون، به کردار و ...

مثال: دست‌های او مانند ابر، بخشنده است.

مشبه ادات تشبیه مشبه‌به وجه شبه



نکته

«وجه شبه» و «ادات تشبیه» گاهی حذف می شوند، اما دو پایه ی اصلی تشبیه؛ یعنی مشبّه و مشبّه به،

حذف نمی شوند.

اضافه ی تشبیهی



اگر مشبّه و مشبّه به، با کسره (-) به هم اضافه شوند، به آن اضافه ی تشبیهی می گویند.

مثال: چراغِ دل (دل به چراغ، تشبیه شده است).

مشبّه به مشبّه



فارسی ششم دبستان

علوی

درس یازدهم شهدا خورشیدند





همزه یکی از نشانه‌های زبان عربی است که با ورود لغات عربی به زبان فارسی، این نشانه نیز، به زبان ما، راه یافته است.
- از گذاشتن همزه در پایان کلمات، خودداری می‌کنیم.

مثال: انشاء ← انشا

املاء ← املا

هرگاه خواستیم واژه‌هایی مثل املا، انشا و ... را به کلمه‌ی دیگری با کسره (-) اضافه کنیم، از «ی» میانجی استفاده می‌کنیم.

مثال: املاي امروز، انشاي طولاني

- گاهی باید همزه به «ی» تبدیل شود.

مثال: پائيز ← پایيز

زائد ← زاید

آئینه ← آیینه



آرایه مراعات نظیر: هرگاه شاعر در شعر خود از واژه هایی استفاده کند که در یک مجموعه و از یک جنس، نوع و مکان باشند می گوئیم از آرایه مراعات نظیر استفاده کرده است.

گل، بلبل، باغ، جوی آب و ...

مثال:



ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

مثال:



آرایه تکرار: هرگاه شاعر یا نویسنده در شعر خود واژه های را چند بار به کار ببرد، می گویند از آرایه ی تکرار استفاده کرده است.

گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من / از خاک بیشتر نه، که از خاک کمتریم

مثال:



خاک و بیشتر دوبار تکرار شده اند.

آرایه تخلص: هرگاه شاعر در پایان شعرش نام خود را بیاورد می گوئیم از آرایه تخلص استفاده کرده است.

سعدی به روزگاران مهری نشست بر دل / بیرون نمی توان کرد الا به روزگاران

مثال:



حافظ به خود نپوشد این خرقة ی می آلود / ای شیخ پاکدامن معذور دار ما را

مثال:



عناصر داستان:

هر داستان دارای عناصر تشکیل دهنده ای است که عبارت اند از:

۱- **شخصیت:** تمامی افرادی که در یک داستان وجود دارند شخصیت های داستان را تشکیل می دهند.

۲- **زمان:** داستان در چه موقعی اتفاق افتاده است.

۳- **مکان:** مکان و جایی که اتفاقات در آن به وقوع پیوسته است.

۴- **حوادث:** اتفاقاتی که در این داستان رخ داده است، حوادث داستان است.

۵- **پیام:** چه هدف و نتیجه ای از این داستان می توان گرفت.



کارگاه نویسندگی:

گزارش: نوعی نوشته است که در آن نویسنده اطلاعاتی درباره ی موضوعی خاص در

اختیار کسانی می گذارد که از آن آگاه نیستند. مانند گزارش یک روزه اردوی

مدرسه، گزارش چگونگی فعالیت ها در آزمایشگاه



فارسی ششم دبستان

علوی

درس یازدهم شهدا خورشیدند



فایز ادبیات



سلمان قنبرهراتی (آذریاد)



وی از شاعران دوره‌ی انقلاب اسلامی است. صمیمیت و سادگی در اشعار او به چشم می‌خورد. او در یکی از روستاهای تنکابن به شغل تدریس مشغول بود و در سال ۱۳۶۵ در راه رفتن به مدرسه درگذشت. آثار: سه مجموعه شعر به نام‌های: از این ستاره، از آسمان سبز، دری به خانه‌ی خورشید

ابوعلی سینا



از دانشمندان مشهور قرن ۴ و ۵ هجری است. در شهر «بخارا» به تحصیل علم پرداخت و در ده سالگی، حافظ قرآن شد. برخی آثار: شفا، قانون، دانشنامه‌ی علایی

بهمینیارین مرزبان ابوالحسن



از دانشمندان و شاگردان ابوعلی سینا بود. کتاب «المباحثات» ابن سینا، در پاسخ به پرسش‌های اوست.

فارسی ششم دبستان

علوی

درس یازدهم شهدا خورشیدند





إصرار: مُصِرَّانَه

مرتضی: راضی، رضا، رضایت

مؤمن: امن، ایمن، امین

احترام: محترم، محترمانه، حریم، حَرَم

نفوذ: مَنفَذ، مَنافِذ

خلاق: خَلَق، خالق، مخلوق

استعداد: مُسْتَعِد، عدد

معرفی: عرفان، عارف، تعارف، تعریف، معروف



۱. عبارات و جملات درست را از نادرست، تشخیص داده و موارد نادرست را اصلاح کن.

الف) جمله‌ی «چون چراغی است که می‌سوزد.» به «فداکاری» اشاره دارد. ✓

ب) در جمله‌ی «سخت تشنه‌ام»، «سخت» متضاد «آسان» است. ✗

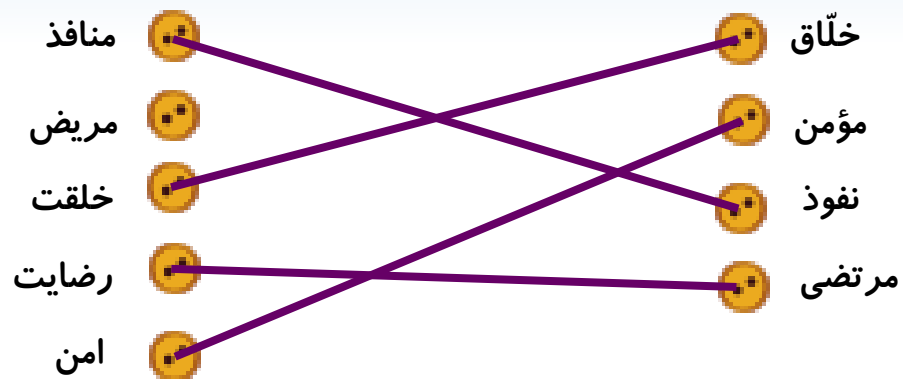
سخت در این جمله: یعنی بسیار و متضاد آن می‌شود: اندک

پ) ضرب‌المثل «تو نیکی می‌کن و در دجله انداز...» به بخشش بیش از حد، سفارش می‌کند. ✗

به بخشش بی‌توقع اشاره می‌کند.



۲. تعداد جملاتِ به کار رفته در هر عبارت را از ستونِ مقابل پیدا کرده و به آن، وصل کن. (یک مورد اضافی است)



۳. گزینه‌ی صحیح را انتخاب کن.

الف) جمله‌ی «شهید مثل یک نمره‌ی بیست، داخل دفتر قلب من و تو می‌ماند.» به کدام ویژگی شهید اشاره دارد؟

(۴) مهربانی

(۳) جاودانگی ✓

(۲) انسانیت

(۱) شجاعت

ب) در کدام گزینه، «منادا» وجود ندارد؟

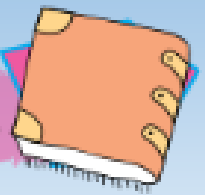
(۱) بچه‌ها گوش کنید.

(۲) با صدایی آمیخته به محبت گفت: بهمینار

(۳) بوعلی گفت: استاد تو در طب منم. ✓

(۴) گفت: استاد هوای بیرون خیلی سرد است.





یکی از حکما پسر را نهی می‌کرد از بسیار خوردن که سیری مردم را رنجور کند.
(پسر) گفت: ای پدر گرسنگی، خلق را بکشد. نشنیده‌ای که گفته‌اند: به سیری مردن به که به گرسنگی به سر بردن.
(پدر) گفت: اندازه نگه‌دار.

«گلستان سعدی»
باب سوم (با اندکی تغییر)



۱. چرا حکیم، پسر را از زیاد خوردن، نهی می‌کرد؟

زیرا، زیاد خوردن را عامل بیماری می‌دانست.

۲. پسر چه کاری را ترجیح می‌داد؟

سیری

۳. منظور از جمله‌ی «اندازه نگه‌دار» چیست؟

رعایت اعتدال و میانه روی در خوردن نه پر خوری و نه کم خوری.

۴. مزایای به اندازه غذا خوردن چیست؟

خواب آرام - جلوگیری از بیماری‌های مختلف



پایان درس

شهدا خورشیدند



فارسی ششم دبستان

علوی

درس یازدهم شهدا خورشیدند

